

عوامل مؤثر بر تحقق عدالت اجتماعی در اندیشه امام علی(ع)

هاجر نندیرخانلو¹

چکیده

این مقاله به بررسی عدالت اجتماعی در گفته‌ها و اعمال علی بن ابی طالب (ع) می‌پردازد. عدالت و حقیقت مادر همه ارزش‌های اجتماعی تلقی می‌شود. پس از حضرت محمد (ص)، امام علی (ع) بهترین نمونه اخلاق، از جمله عدالت بود. او برای عدالت زندگی کرد و بر این باور بود که هر کس باید از حق امنیت در زندگی برخوردار باشد. به نظر وی، عدالت قرار دادن هر چیزی در محل مناسب خود است. بنا به نظر امام علی (ع) ارتباطی عمیق بین عدالت و حقیقت وجود دارد. نقطه مقابل عدالت ظلم و ستم بوده و ستمگر دشمن خدا است. عدالت یکی از چهار ستون "ایمان" است. عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های عدالت است. عدالت اجتماعی به معنای دادن حق شایسته هر فرد در توزیع منافع در جامعه و برآوردن نیازهای اساسی افراد است. عدالت اجتماعی شامل چند عامل است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: 1: دسترسی به نیازهای اساسی 2: فرصت اقتصادی و انصاف 3: حفاظت در برابر تبعیض و ستم 4: حقوق بشر 5: عدالت زیست محیطی.

کلید واژه: امام علی (ع) عدالت، سیاست، عدل، ظلم

1: طلبه سطح 2 حوزه علمیه معصومیه خدابنده، کد طلبگی: 40012028326

مقدمه

عدالت یکی از اهداف پیامبران الهی بوده است مسئله عدالت اجتماعی در تمام ادیان مورد توجه زیادی بوده است چه در ادیان ابراهیمی و چه در ادیان غیر ابراهیمی همه منتظر منجی در اخرالزمان بوده اند که عدالت و قسط را در جامعه و در میان تمام اقوام بشر پیاده سازد پس عدالت اجتماعی اهمیتی به اندازه وسعت عمر تمام انسان ها دارد و مطلوب تمام اقوام از گذشته تا بحال بوده است اما تعریف عدالت در میان اقوام مختلف متفاوت بوده است برای این که مفهوم کلی و مطلق عدالت مورد سو استفاده قرار نگیرد و برای اینکه آن را پیاده ساخت ؛ اولاً باید مفهوم عدالت تبیین و سپس به عوامل ایجاد عدالت اجتماعی به طور مبثوط پرداخت و البته این عوامل را از منظر ولی خدا باید شناخت چون عدالت مفهومی متفاوت در میان اقوام مختلف دارد تا به اسم عوامل ایجاد عدالت ظلم و ستمی صورت نگیرد و مشتاقان ولایت اهل بیت هم با شناخت عوامل اجتماعی در پی تحقق آن تمام تلاش خود را بکار ببرند و همه موارد نشان میدهد که مساله عوامل عدالت اجتماعی مساله ای مهم و دارای اهمیت و ضرورت بحث می باشد.

عدالت اجتماعی همواره یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان و حکومت‌ها در طول تاریخ بوده است. مطالعات متعددی در زمینه مفهوم عدالت و راهکارهای تحقق آن صورت گرفته است. در منابع اسلامی نیز، به ویژه در نهج‌البلاغه که حاوی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع) است، مباحث عمیقی پیرامون عدالت و ابعاد آن مطرح شده است. تحقیقات پیشین غالباً به تبیین فلسفه عدالت، تأثیر آن بر جامعه، و موانع تحقق آن پرداخته‌اند. با این حال، کمتر پژوهشی به صورت متمرکز و جامع به بررسی «عوامل مشخص و عملیاتی» که از دیدگاه امام علی (ع) منجر به تحقق عدالت اجتماعی می‌شوند، پرداخته است. این تحقیق با تمرکز بر سخنان و سیره امام علی (ع)، به دنبال شناسایی و تحلیل این عوامل است تا خلأ حال سوال این است از دیدگاه امام علی (ع)، عوامل اصلی و موجود در این زمینه را پر کند محوری تحقق عدالت اجتماعی در جامعه کدام‌اند ؟

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی، تبیین و تحلیل عوامل تحقق عدالت اجتماعی از منظر امام علی (ع) با استناد به نهج البلاغه و سایر منابع معتبر اسلامی است. این تحقیق همچنین به دنبال ارائه یک چارچوب نظری از عوامل مؤثر بر عدالت اجتماعی بر اساس آموزه‌های علوی است تا بتواند راهکارهای عملی برای تحقق این مهم در جوامع امروز ارائه دهد.

1. مفهوم عرفی و لغوی عدالت

عدالت در لغت: به معنای برابری میان دو چیز و یا به موقع انجام دادن کارها به نحوی که افراط و تفریط در آنها نباشد.

عدالت در عرف: عدالت به معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز به کار می رود از این رو عدالت را به معنای "اعطاء کل ذی حق حقه" گرفته اند، برخی در معنای عدل توسعه داده اند و آن را به معنای «هرچیزی را در جای خود نهادن یا هرکاری را به وجه شایسته انجام دادن» به کار برده اند.²

2. انواع عدالت

2_1 عدالت توزیعی

این نوع عدالت به نحوه توزیع منابع، فرصت‌ها، مسئولیت‌ها، و حتی رفاه در جامعه می‌پردازد. عدالت توزیعی یکی از مصادیق عدالت است که در روابط فرد و دولت و افراد باهم ایجاد می شود. عدالت توزیعی بیانگر ادراک افراد از میزان رعایت عدالت در توزیع و تخصیص منابع و پاداش‌هاست. عدالت توزیعی راهکاری مهم برای «رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه

2: فوادیان دامغانی، رمضان، سیمای عدالت در قرآن و حدیث، ص 27.

برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» است که در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی ج.ا.ایران مورد تأکید قرار گرفته است.

2_2 عدالت رویه‌ای

این نوع عدالت بر انصاف در فرایندها و رویه‌هایی تمرکز دارد که برای تصمیم‌گیری و حل و فصل اختلافات به کار می‌روند. حتی اگر نتیجه نهایی به نظر عادلانه نرسد، اگر فرآیند عادلانه و شفاف باشد، افراد تمایل بیشتری به پذیرش آن دارند.

2_3 عدالت ترمیمی

این رویکرد به جای مجازات صرف، بر ترمیم آسیب‌هایی که از طریق جرم یا درگیری ایجاد شده‌اند، تمرکز دارد. هدف اصلی بازگرداندن وضعیت به حالت اولیه و ترمیم روابط بین قربانی، مجرم و جامعه است.

2_4 عدالت جبرانی

این نوع عدالت بر این اصل استوار است که مجازات باید متناسب با جرم باشد. یعنی «چشم در برابر چشم». هدف اصلی مجازات مجرم به دلیل عملی که انجام داده است.

2_5 عدالت محیط زیستی

این مفهوم بر این ایده تمرکز دارد که هیچ گروهی از مردم، فارغ از نژاد، رنگ پوست، یا درآمد، نباید بار نامتناسبی از پیامدهای منفی زیست‌محیطی ناشی از عملیات صنعتی، دولتی، یا تجاری را به دوش بکشد.

2_6 عدالت اجتماعی

این یک مفهوم گسترده است که به توزیع عادلانه ثروت، فرصت‌ها و امتیازات در جامعه اشاره دارد. عدالت اجتماعی اغلب به معنای تلاش برای رفع نابرابری‌های سیستمی و تضمین حقوق انسانی برای همه است.

3. مفهوم عدالت اجتماعی

قبل از بحث از عوامل عدالت اجتماعی اول باید راجب مفهوم عدالت سخن به میان آورد این که چه مفهومی در زندگی اجتماعی دارد زیرا که استوارسازی پایگاه های عدالت وقسط عملی کردن اصول آنها باتوجه به چهار چوب های اسلامی جزباشناختن این دو مفهوم از نظراحادیث علوی مویر نخواهدبود. آنچه مهم است این است که منشاء عدالت اجتماعی دراسلام هماناعدل الهی است³ وعدل سنت خداو میزان خداست وآن همه دراصول ومبانی اسلام وکلمات امام علی(ع)تجسم پیدامیکند وهمانا بایدگفت پشتوانه عدالت اجتماعی توحیدوایمان به خداوند میباشد که بدون اعتقاد به توحید عدالت اجتماعی تحقق پیدا نخواهدکرد وایمان به خدا محقق کننده وثبات دهنده عدالت اجتماعی می باشد.

4. عوامل مؤثر بر عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، سنگ بنای یک جامعه شکوفا است و طرفدار انصاف و برابری در نحوه توزیع منابع، فرصت ها و امتیازات در میان همه افراد است. عدالت فقط برابری نیست، بلکه انصاف است، اطمینان از اینکه همه آنچه را که برای موفقیت و شکوفایی نیاز دارند، دریافت کنند. چندین عامل به هم پیوسته، اساس این مفهوم حیاتی را تشکیل می دهند:

4_1 دسترسی به نیازهای اساسی: در هسته خود، عدالت اجتماعی تضمین می کند که

همه به ضروریات زندگی دسترسی دارند: غذای کافی و آب پاک، سرپناه امن، مراقبت های بهداشتی جامع (شامل خدمات سلامت روان) و آموزش با کیفیت. بدون این ها، زمین بازی ذاتاً نابرابر باقی می ماند.

3: محمدرضا علی حکیمی، الحیات، ج 6، ص 557.

بهره می‌گیریم و نه از آن چه نمی‌دانیم می‌پرسیم و نه از حادثه مهمی تا بر ما فرود نیاید می‌ترسیم^{۲۶}.

آن‌جا که عدالت ظهور ندارد، انحراف و ستم و ناسپاسی ظهور می‌یابد. در چنین جامعه‌ای آن کس که تباهی نمی‌کند ناشایست شمرده می‌شود، سرزنش می‌گردد و تحت فشارهای روانی - اجتماعی قرار می‌گیرد تا هم‌رنگ جامعه شود و ضدارزش‌های آن را بپذیرد. و آن کس که تباهی می‌کند بهترین موقعیت‌ها را می‌یابد و، به سبب موقع‌شناسی و زمانه فهمی، تمجید می‌شود. در چنین زمانه‌ای ستم ستم‌گر حد و مرزی ندارد، دانسته‌ها و معارف به کار نمی‌آید و مردمان از آن چه نمی‌دانند نمی‌پرسند. تمایل به غفلت همه را فرامی‌گیرد و کسی نمی‌خواهد از عاقبت این بی‌عدالتی آگاه شود. اگر عدالت نباشد، جامعه عرصه جولان زور و ستم و غارت و چپاول می‌شود و در چنین عرصه‌ای فضیلت‌ها و ارزش‌ها فراموش می‌شود. روزگار گزنده و درنده‌خوی می‌شود و خوی درندگی اهل حرص و طمع تحریک می‌شود. توان‌گران بر آن چه دارند دندان می‌فشارند و بر آن چه ندارند از می‌ورزند. بینوایان در زیر فشار بی‌عدالتی، به ناچار تن به هر داد و ستدی می‌دهند؛ گران می‌خرند و ارزان می‌فروشند و هستی‌شان به تاراج یغما می‌رود.

18. عدالت سیاسی نزد حضرت علی علیه السلام

در اندیشه سیاسی امیرالمومنین علی(ع) همه ارزش‌های اجتماعی در گرو عدالت است و اگر عدالت رنگ بازدهد همه ارزش‌ها رنگ می‌بازد، عدالت مایه بقاء و صحت ارزش‌هاست. ارزش‌ها در زمین عدالت شکوفا می‌شود و رشد می‌کند. نظارت و ارزش‌یابی از لوازم مهم و اساس در اداره امور است؛ و البته زمانی کارساز و مفید خواهد بود که عدالت بر آن حاکم باشد. امیرمومنان، علی(ع)، در عهد نامه خود به مالک اشتر چنین فرموده است: و در یک ارزش‌یابی دقیق رنج و زحمات هر یک از آنان را شناسایی کن و هرگز تلاش و رنج کسی را به

26: همان، خطبه 32

حساب دیگری نگذاشته و ارزش خدمت او را ناچیز مشمار تا شرافت و بزرگی کسی موجب نگردد که کار کوچکش را بزرگ بشماری، یا گمنامی کسی باعث شود که کار بزرگ او را ناچیز بدانی.^{۲۷} همچنین علی (ع) به مالک اشتر نوشت: هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشد، زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق میگردند، پس هرکدام از آنان را براساس کردارشان پاداش ده.^{۲۸} امیرمؤمنان علی (ع) خود نظارتی دقیق بر عملکرد کارگزارانش داشت و با عدالتی بی مانند آنان را تشویق یا تنبیه میکرد و از مسولان خود نیز میخواست تا همین گونه عمل کنند.^{۲۹}

19. رعایت عدالت در اداره ی امور

رعایت عدالت در اداره ی امور مخالفت هارا می زداید و قلب هارا به یکدیگر پیوند میدهد و راه های سخت را هموار میسازد، چنان که از امام علی (ع) وارد شده است {عدالت ورزیدن مخالفت مردمان را می زداید و موجب الفت ایشان میشود}^{۳۰}، اگر این پایگاه پیوند و الفت آسیب ببیند، مهم ترین تکیه گاه حکومت و مدیریت شکسته می شود و هرچه خدمت صورت گرفته باشد زدوده می گردد، که هیچ چیز چون دوری از عدالت آسیب زا نیست و هیچ تکیه گاهی برای حکومت و مدیریت چون آن نیست که امیرمؤمنان علی (ع) فرموده است: {داد مردمان را از خود بدهید تا به شما اعتماد کنند}^{۳۱}.

امام علی (ع) در آموزه ها و فرمان های حکومتی و مدیریتی خود بسیار به انصاف و عدالت ورزی در همه ی امور سفارش و تأکید کرده است و کارگزاران خود را در این جهت آموزش داده و

27: همان، خطبه 32.

28: نهج البلاغه، خطبه 32.

29: دلشاد تهرانی، 1379.

30: شرح غررالحکم، دررالحکم، ج 3، ص 30.

31: تحف العقول، ج 1، ص 149.

به پابندی برآن هدایت و مدیریت کرده است: {پس از جانب خود با مردمان انصاف روا دارید}.

امیرمؤمنان علی(ع) کارگزاران خود را پیوسته به رعایت مساوات در اداره امور سفارش میکردند؛ چنانکه وقتی محمد ابن ابی بکر را والی مصر قرار داد، در فرمانی به او یادآور شد تا با مردمان به نرمی رفتار کند و همه را به یک چشم بنگرد و خویش و بیگانه را در حق برابر شمارد^{۳۲}. همچنین آن حضرت در نامه ای که پس از رفتن محمد ابن ابی بکر به او و اهل مصر نوشته است، به محمد سفارش میکند که بر اساس مساوات امور را اداره کند و پیامد های آن را یاد آور می شود تا محمد بداند که این امر از چه اهمیتی برخوردار است: و همه را به یک چشم نگاه کن (در میان آنان مساوات را رعایت کن) تا بزرگان در تبعیض تو طمع ستم بر ناتوانان نبندند و ناتوانان از عدالتت مأیوس نگردند^{۳۳}.

مشخص است که اگر زمام داران و کارگزاران در عمل پایبند اصل مساوات نباشند و همه را به یک چشم ننگرد و تبعیض روا دارند، زمینه تجاوز و تعدی را برای زورمندان و ستمگران فراهم خواهند کرد و اسباب یأس و نومیدی را برای ستمدیدگان؛ و این امر مهم ترین علت تباهی و سقوط حکومت ها و دولت هاست و هیچ دولتی نمیتواند در چنین اوضاع و احوالی به مقاصد اصلاحی دست یابد^{۳۴}. امیرمؤمنان در روزگاری که از حکومت محروم شده بود این حقیقت را به زمام داران یاد آور می شد تا آنان از مسیر درست خارج نشوند؛ چنان که به عمر ابن خطاب یاد آور شد: 3 چیز است که اگر آنها را پاسداری و بدان ها عمل نمایی، از سایر امور بی نیاز باشی و اگر آن را ترک کنی چیزی جز آنها سودت نبخشد {پرسید: آنها چیست؟ فرمود: اجرای حدود {قانون} به طور یکسان نسبت به نزدیک و دور، و حکم به کتاب خدا درخشودی و خشم، و تقسیم {بیت المال} به عدالت میان سفید و سیاه^{۳۵}.

32: تحف العقول، ج 1، ص 176.

33: نهج البلاغه، 1376، نامه 27.

34: دلشاد تهرانی، 1379 ب

35: التحذیب، ج 6، ص 227.

نتیجه

از منظر امام علی (ع)، عدالت اجتماعی یک اصل فراگیر و بنیادین است که تمام تار و پود جامعه و حکومت را در بر می‌گیرد و فراتر از صرفاً توزیع عادلانه ثروت یا منابع مالی است.

ایشان عدالت را ستون فقرات استحکام و بقای هر حکومت مشروع می‌دانستند و معتقد بودند که بی‌عدالتی، حتی در مقیاس کوچک، فسادآور بوده و جامعه را به سوی تباهی سوق می‌دهد. در سیره عملی ایشان، تقسیم مساوی و بدون تبعیض بیت‌المال، نشان‌دهنده این باور بود که منابع عمومی امانتی الهی هستند و حاکم تنها امین مردم در توزیع عادلانه آن است. این امر مستلزم پاسخگویی بی‌قید و شرط کارگزاران و نظارت دقیق بر عملکرد آنان بود تا از هرگونه فساد، سوءاستفاده از قدرت و تبعیض جلوگیری شود.

امام علی (ع) به شدت با متخلفان برخورد می‌کردند تا نشان دهند عدالت در بالاترین سطوح مدیریتی نیز جاری است. یکی از ارکان اصلی عدالت اجتماعی از دیدگاه ایشان، رفع مظالم و احقاق حقوق ستمدیدگان بود. ایشان خود را متعهد به دفاع از حقوق ضعیفا، مستضعفان و کسانی می‌دانستند که حقوقشان پایمال شده است. این وظیفه، اولویتی اساسی برای حاکم اسلامی محسوب می‌شد.

علاوه بر این، عدالت در نگاه امام علی (ع) با توازن و اعتدال عجین شده بود؛ به این معنی که پرهیز از افراط و تفریط در همه امور، از اجرای قوانین گرفته تا برخورد با افراد، مد نظر قرار می‌گرفت. این اعتدال، ضامن ثبات و آرامش در جامعه بود.

در نهایت، می‌توان گفت که عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)، تنها یک مفهوم حقوقی یا اقتصادی نیست، بلکه تجلی یک نظام ارزشی عمیق، تقوای الهی و اخلاص در عمل است که اگر در جامعه پیاده شود، منجر به برقراری قسط، عدل، تأمین کرامت انسانی و سعادت دنیوی و اخروی خواهد شد. این نگاه، الگویی جامع و متعالی برای حکومتداری و زندگی اجتماعی ارائه می‌دهد.

منابع

- 1: قرآن
- 2: محمدرضا و محمد علی حکیمی، الحیات، ترجمه احمد آرام ج 6 چاپ 5 نگارش قم 86
- 3: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ناشر پیام عدالت، تهران چاپ 11 سال 90
- 4: حکومت علوی کارگزاران گروهی از نویسندگان قم: دبیرخانه مجلس خبرگان 1381
- 5: دعائم السلام قاضی نعمان مغربی ناشر: دارالمعارف تاریخ نشر 1383 ق 2 جلدی
- 6: غررالحکم عبدالواحد تمیمی امدی ناشر: دارالکتاب السلامی 1 جلدی 1375 ق
- 7: فلسفه حقوق بشر عبدالله جوادی عاملی قم چاپ : 7 سال 1393 مرکز نشر و چاپ اسراء
- 8: ارشادالقلوب، حسن ابن محمد دیلمی مترجم : علی سلگی نهایندی ناشر: ناصر قم
- 9: التحذیت، ابو جعفر محمد ابن حسن طوسی، ج 6، انتشارات دارالکتب الاسلامی، سال 1364